

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ایرج فرزاد
۲۳ نومبر ۲۰۲۳



ایرج فرزاد

حقایقی که از افکار عمومی، پنهان می کنند؛ در باره جنایات ارتش اسرائیل در نوار غزه

سر تیتز برخی اخبار را که نگاه می کنید، حاکی از پنهان کردن سیر اتفاقات و «توافقات»ی از افکار عمومی جهانیان است.

سفرهای زیر گویای این است که «حماس» آماده مذاکره است:

«محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، نخست وزیر قطر، در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، گفته است: [«دشواری هائی که در مذاکرات باقی می ماند در مقایسه با دشواری های بزرگتر بسیار جزئی هستند.» او می گوید اطمینان بیشتری دارد که «به اندازه کافی برای رسیدن به توافق نزدیک هستیم.»]

ممکن است این سؤال مطرح شود که آمادگی حماس برای مذاکره جهت آزادی شهروندان گروگان گرفته شده، بر اثر پیشرویهای نظامی ارتش اسرائیل در نوار غزه بوده است. اما علی رغم همه هیاهوها و تبلیغات جنگی دولت نتانیاها و همراهی دولتهای غرب و اروپا، در جریان بمباران وحشیانه و خونین بیمارستان «شفا»، هیچ اثری از مقر فرماندهی حماس یافت نشد. درست شبیه به بهانه دستیابی صدام به سلاحهای کشتار جمعی که حتی به اذعان سازمان ملل متحد و «کمیسیون های بازرسی» آن، از بیخ و بن بی پایه و دروغین بود، اما کل شیرازه مدنی جامعه عراق بمباران شد و فروپاشید. میلیونها مردم جان باختند و دست آخر صدام حسین را به اتهام دست داشتن در «قتل چند آخوند شیعه»، اعدام کردند.

بین حماس، اسرائیل، قطر، امریکا و جمهوری اسلامی از مدتها قبل تماسهایی برقرار شده بود. بنابراین هم امریکا و هم اسرائیل و قطر، با توجه به این حقیقت که اسرائیل در جهت تضعیف «فتح»، سخاوتمندانه به تقویت حماس روی آورده بود، آشکارا می دانستند که آن مهره دست پخت و تحت کنترل، از توان و ظرفیت «معامله» برای آزادی گروگانها تماماً برخوردار است. آیا جای سؤال نیست که چرا به این راه غیر خونین روی خوش نشان ندادند؟ آیا نباید شک کرد در این که خود عملیات «غافلگیرانه» حماس که طی آن بیش از یک هزار و ۴۰۰ شهروند اسرائیل و برخی کشورهای دیگر را در خاک این کشور قتل عام کرد و بیش از ۲۰۰ کودک و زن و مرد را ربود و به داخل غزه منتقل کرد، یک برنامه و بند و بست پشت پرده بوده است؟ خامنه ای در دیدار با اسماعیل هنیه گفت: «مسئولان حماس با پنهان کردن زمان حمله از ما، دچار اشتباهی ستراتیژیک شدند». این هم بخشی از همان توافقات پشت پرده است، چه، درست روزها و چه بسا ماهها قبل از «وضعیت حقوق بشر» در غزه، وزیر خارجه جمهوری اسلامی چند بار به قطر سفر کرد تا آمادگی جمهوری اسلامی را برای «همکاری» با امریکا بر سر برجام و «برنامه هسته نی» به شرف عرض برساند. حمله «غافلگیرانه»، در جهت این «سازش قهرمانانه»، با اطلاع و چه بسا برنامه ریزی دقیق مقامات کلیدی و برنامه ریز، اسرائیل-امریکا-جمهوری اسلامی چیده شده بود. در این رابطه می بایست از حماس که چون موم در دست اسرائیل بود و بسیار فکت ها حاکی از این است که این جریان اساساً دستکرد اسرائیل است، یک قدرت هیولانی تروریستی اسلامی ساخته شود که در نتیجه به اسرائیل امکان و فرجه بدهد که به «حق دفاع مشروع» دست بزند، «حق»ی که دفاع از آن تاکنون طبق آمار رسمی با لت و پار کردن بیش از ۱۳ هزار نفر از شهروندان بی دفاع و غیر نظامی نوار غزه به خون و جنایت آغشته است.

فکر می کنم به حد کافی گویاست که اسرائیل و امریکا آگاه بودند که حتی اگر عملیات غافلگیرانه حماس «خودسرانه» بود، «مذاکره» و نه جنگ و لشکر کشی و نسل کشی و بمباران بیمارستانها، کاملاً ممکن بود. آن هم مذاکره یک دولت مثل اسرائیل و دخالت کشوری چون امریکا، با جریانی که نه تنها یک نیروی سیاسی واقعی برخاسته از جنبش مردم فلسطین نیست، که «مهره» و غیر مستقیم «مامور» نفوذی است.

دولت نتانیاهو و امریکا به این جنگ و تجاوز و توحش نیاز داشتند از چند نظر:

اول:

شنیدن اعلام علنی فاصله گرفتن جمهوری اسلامی از «حماس» و به این ترتیب اعلام «بی طرفی» جمهوری اسلامی در کشمکش اسرائیل و غرب با جریانات اصلی تر جنبش اسلامی، به ویژه «حزب الله لبنان». در همان رفت و برگشتهای وزیر خارجه جمهوری اسلامی به قطر، او بارها از «امریکا» پیام می گرفت، که «کشور متبوع»ش، از دخالت در مسأله «فلسطین- اسرائیل» خودداری کند، تا پروسه «مذاکره و برجام» و «رفع تحریم»ها، پیش برود. این جهت گیری، با هدف چشم پوشی و کنار زدن مبارزات مردم ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، چون یک عامل تعیین کننده سیاسی است. در عین حال کمک و یاری در جهت ابقاء رژیم کنونی به طریق «استحاله» و زدن شاخ و برگهای اسلامی آن و در نهایت علم کردن یک آلترناتیو جایگزین جمهوری اسلامی، از طریق تخمیر درونی و ایجاد فرصت برای جریاناتی شبیه به دوخردادی ها و میهن پرستان شبه سکولار- نیمه اسلامی است. هدف، هموار کردن مسیر انباشت سرمایه به اتکاء «دستاوردهای» خونبار رژیم اسلامی در فراهم کردن بازار «کار ارزان، کارگر خاموش» است هم برای سرمایه داران نازنین «ایرانی» و هم مهمتر سرمایه بین المللی. سرمایه به این سادگی از شرایطی که با قتل عام و کشتار و جنایت علیه شهروندان ایران، فراهم شده است، تحت فشار هیچ «حقوق بشر» و «حقوق مدنی شهروند»، نمی گذرد. سرمایه اگر چه خود حد و مرز ندارد و به هیچ دین و مذهبی پایبند نیست، اما به

حافظ و مدافع سنت های مذهبی و «باستانی» در سرزمینی با «فرهنگ خودشان»، که «قناعت پیشه» و میراث اجداد خود را در برخورد به زن، به «کارگر» و «عَمَلَه»، به کودک؛ و حتی نسبت به سگ و گربه و حیوانات حلال و حرام، پاس می دارند، «احترام» می گذارد. این سنن و فرهنگ و تاریخ، با قرآن و شاهنامه و نهج البلاغه اش، خیلی به پائین نگهداشتن سطح توقعات شهروندان دنیای مدرن کمک می کند. اینها نمی خواهند چنین رژیم در یک انقلاب و توسط نیروی مردم به زیر کشیده شود. می خواهند کنترل استحاله و تخمیر درونی کلاً از دستور بالفعل مردم خارج شود. قصد و سناریوها این است که مردم ایران «چشم انتظار»، تحولات در بالا و در میان «از ما بهتران» و «حکومت سازها»، گپیچ و سرگردان شوند، به نیروی خود باور نکنند و به خانه ها برگردند.

دوم:

فراهم کردن یک بازار برای «رشد سرمایه گذاری» در سلاحهای مَهر شده با خون. به تیتیر بخشی از گزارش لوموند دیپلوماتیک توجه کنید:

از کارخانه اسلحه تا کاخ سفید، در یک خط مستقیم

لینک به متن کاملتر گزارش مذکور را اینجا ضمیمه کرده ام. بخوانید تا متوجه شوید که پشت دروغپردازیها و مهندسی افکار عمومی، چه بند و بست و توطئه و دسیسه چینی هائی علیه بشریت متمدن در جریان است و نهادهای رسمی و در قدرت و سرمایه داران همه رنگ، برای یافتن بازار سلاح، به چه جنایاتی دست می زنند.

ایرج فرزاد، ۲۰ نومبر ۲۰۲۳

[لینک مطلب: سود جنگ غزه برای صنایع نظامی؛ سهام دارانی که نگران توقف جنگ هستند](#)